

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: لطفا در صورت امکان نظرتون را در مورد دیدگاهی که در متن زیر ارائه شده است بفرمایید: امروزه دیگر اشیاء را با کلیات خمس تعریف نمی کنند. مفاهیمی همچون جوهر، عرض، هیولی، صورت و ... در فهم طبیعت یا جهان اعتبار خود را از دست داده است و چیزهای دیگری جایگزین آن شده است. و گرنه یک معلم فلسفه یا دانش آموزان از عقول دهگانه متعجب نمی شوند. اگر این دانش آموزان هم عصر ابن سینا یا ارسطو بودند، نه تنها از عقول دهگانه متعجب نمی شدتد بلکه آن را به راحتی می فهمیدند. مسئله اینجاست که کیهان شناسی این معلمان و دانش آموزان مبتنی بر نظام کپرنیکی و فیزیک جدید است. وقتی موضوع سطوح فیزیکی در فیزیک جدید مطرح گردید، مباحثی همچون «معطی شیء...» دیگر خدشه پذیر شد.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در دستگاه فلسفی ارسطو، ما با آن اصطلاحات مثل جوهر و عرض روبه روئیم و این غیر از فیزیک جدید است که میدان دید خود را نظام کهکشانی قابل رصد حسی قرار داده است. آری! در همان نگاه ارسطویی هم عقول عشره قابل مناقشه است ولی نه به اعتبار نظام کپرنیکی، ثانیاً: در هر دستگاه فکری «معطی شیئی» نمی تواند فاقد شیئی باشد. موفق باشید